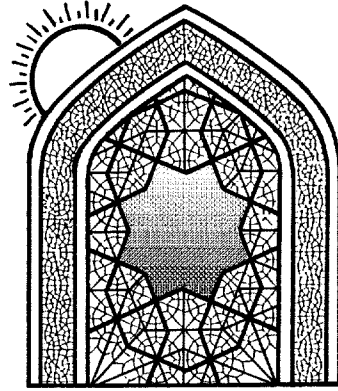


# محل ولادت رسول خدا



حمد الجاسر / رسول جعفریان

## درآمد:

خداوند توفیق داد تا در نیمه نخست مرداد سال ۱۳۷۶ در خدمت زائران خانه خدا، به عمره مشرف شوم. در این سفر بر آن شدم تا جستجویی در باره «مولدالنبی»، که محل آن در قسمت پایین شعب ابی طالب بوده، داشته باشم. برای دستیابی به این هدف، راهی «مکتبه المکه المکرمه»، کتابخانه‌ای که در سال ۱۳۷۰ قمری توسط شیخ عباس بن یوسف القطان شهردار وقت مکه، در مکان مولد النبی بنا گردیده است، شدم. این کتابخانه تا چند سال قبل به نام مکتبه القطان نامیده می‌شده است. این بنا سالها پس از روی کار آمدن وهابیان و تخریب بنای مولد النبی بوده است. این کتابخانه که اهمیت ویژه‌ای داشته و بالغ بر هزار و اندی نسخه خطی دارد (و فهرست آنها را مؤسسه الفرقان زکی یمانی در لندن در چند مجلد چاپ کرده) از کتابخانه‌های قدیمی شهر مکه است.



\* - عنوان عربی مقاله حاضر چنین است: «الأثار الإسلامية فی مكة المشرفة». این مقاله به صورت سخنرانی در شب چهارشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۰۲ در دانشگاه ام‌القرای مکه ایراد شده و سپس در مجله العرب، سال هفدهم، ش ۳-۴، صص ۱۶-۱۷ چاپ شده است.



بسیاری از علما و بزرگان مکه مانند شیخ ماجد الکردی و شیخ عبدالملك الطرابلسی کتابهای خود را به این کتابخانه اهدا کرده‌اند که به نام خود آنها در بخشهای خاصی نگهداری می‌شود.

کتابی با نام مکتبه المکة المکرمه توسط عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان (در مطبوعات مکتبه ملک فهد الوطنیه، ریاض، ۱۴۱۶) چاپ شده که شرحی است درباره این کتابخانه و پیشینه آن. در این کتاب تصویری نقاشی از بنای مولد النبی چاپ شده که به نظر می‌رسد منحصر به فرد بوده و متأسفانه بجز آن، عکسی از بنای کهن مولد النبی در دست نیست. کامل‌تر از این تحقیق، رساله فوق‌لیسانسی است که هنوز چاپ نشده اما دو نسخه از آن در کتابخانه موجود بود. عنوان این رساله «مکتبه المکة المکرمه، دراسة تاریخیه» بود که توسط صالح بن عبدالعزیز المُرَیْنی نوشته شده و به جامعه ملک عبدالعزیز در جده در سال ۱۴۱۶ تقدیم شده بود. با بررسی این رساله، دریافتیم که استاد محقق حمّد جاسر در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه ام‌القری یک سخنرانی در باره مولد النبی و برخی دیگر از اماکن مکه ایراد کرده‌است. محمدحسین زیدان در «عکاظ» مقاله‌ای مفصل در نقد حمد جاسر نوشته که در شماره ۵۸۴۹ سال ۲۳، شنبه ۱۳ شعبان ۱۴۰۲ منتشر شده است. ما این مقاله را به دست نیاوردیم. چند سال بعد، در سال ۱۴۰۶ دکتر محمد عبده یمانی<sup>۱</sup> مقالی در رد بر او نوشته است. با مراجعه به کتابخانه دانشگاه ام‌القری مقاله حمّد جاسر را، که در مجله العرب که حمد جاسر در سال ۱۳۸۶ آن را تأسیس کرده - چاپ شده بود، بدست آوردم و توفیق آن را یافتم تا در همان حرم مکی ترجمه کنم که در ادامه خواهد آمد. اگر توفیقی بود مقاله محمد عبده یمانی را نیز برای شماره بعد آماده چاپ خواهم ساخت. صفحاتی از رساله فوق‌لیسانس مذکور را که درباره پیشینه بنای مولد النبی است، با کمک دو تن از کتابداران فعلی کتابخانه با نامهای وائل حسین برکات و یاسر احمد حسن عنبر زیرا کس گرفتم که امید است - ان شاء الله - بتوانم آنها را هم در فرصت مناسب چاپ کنم. به این مناسبت از این دو کتابدار تشکر می‌کنم.

## مقدمه

پیش از هر چیز باید ابراز کنم که بنده از شیفتگان آثار تاریخی بوده و از کسانی هستم که دیگران را به پاسداری از آنها دعوت می‌کنم؛ چه آثار تاریخی کهن، چه

آثاری که سبب عبرت و موعظت است و چه آنها که در درون انسان یادی از حادثه‌ای بزرگ به وجود آورده یا عمل نیک قابل پیروی از صاحب آن اثر را نشان می‌دهد.

بررسی نگهداری شود؛ هم از حیث تطور خط عربی و هم در جهت بررسی زندگی بزرگان؛ درست همانند حفاظت از کتابه‌های منقوش بر صخره‌ها.

زمانی که مجله العرب را در رجب سال ۱۳۸۶ تأسیس کردم، از استاد عبدالله عریف شهردار مکه درخواست کردم که کتابی در جغرافیای مکه و تطوّر آبادی آن در گذشته، بنویسد و در روی نقشه به محل آثار تاریخی اشاره کند. این پیش از آن بود که تحولات اخیر، که نزدیک است تا تمامی آثار تاریخ قدیمی را از بین ببرد، به وجود آید. اما وی در مقاله‌ای که در روزنامه «البلاد السعودیه» چاپ کرد، از این کار عذر خواست و نوشت: حَمَد از من چیزی خواسته که امید دارم شخصی که توانایی بیشتری دارد آن را انجام دهد.

من به آثار تاریخی از زاویه یک بهره‌جوی پندگیر، که می‌کوشد به حقیقت آثار دست یابد و از هر آنچه جز دستیابی به معرفت است دوری کند، می‌نگرم.

\* \* \*

آثار موجود در این شهر دو دسته است: نخست؛ مشاعر مقدسه در مکه، منا، مزدلفه، عرفات و مواقیت مکانی حج که خداوند خود متکفل حفظ و پاسداری از

من بیش از نیم قرن قبل، شرح حال مورخ مکه، تقی‌الدین حسنی فاسی (م ۸۲۳) را نوشتم و در آن نوشته، اشاره به کتابه‌های موجود در مساجد و رباطها و آثار باقی مانده بر قبور کرده و آرزو نمودم که تصویر این کتابه‌ها تهیه شده و پس از جمع‌آوری، مهمترین آنها نگهداری شود. همین درخواست را در مقاله‌ای که درباره کتاب «نورالقبس» (تصحیح رودلف زنه‌ایم) در مجله العرب (سال اول، ص ۴۵۹) نوشتم مطرح کردم و در آنجا نوشتم: نکته شگفت آن که این مصحح، وقتی در مقدمه کتاب از نخستین تلخیص این کتاب توسط بشیر بن حامد سخن می‌گوید، می‌نویسد:

«شانس مرا یاری کرد که به برخی از کتابه‌های قبور باب المعلی در مکه دسترسی پیدا کنم که از جمله قبر بشیر بن حامد بود و ان‌شاءالله درباره آن مقالی مفصل خواهم نوشت.»

محققان غربی تا این اندازه در شناخت آثار تاریخی ما و کتابه‌های روی سنگهای ما حریص‌اند؛ در حالی که در میان ما کسانی این سنگها را می‌شکنند. البته حرمت کتابت بر سنگ، برای ما هم قابل درک است! اما سزاوار است آنچه از این کتابه‌های تاریخی بر جای مانده، به جای امنی منتقل و برای



آنهاست؛ چرا که با عبادت بندگان وی، در انواع و اقسام عبادات، مربوط است.

دوم؛ آثاری که به زندگی روزمره ساکنان این شهر پاک مربوط می‌شود؛ مانند مساجد، مکانهای ولادت، قبور و سایر امکانه. بحث من دربارهٔ دستهٔ دوم است، آن هم به اختصار. ابتدا نکته‌ای را که به طور عموم پایهٔ بحث از این قبیل آثار است عرض می‌کنم. آن نکته این است که سلف صالح ما در سه قرن نخست هجری، اهتمامی در حفظ آثار خود نداشته و در تعیین محل و زمان آن آثار اعتنایی نمی‌کردند. حتی گاه که از افراط دیگران را در بزرگداشت آن آثار می‌دیدند، در از میان بردن آثار می‌کوشیدند. کما این که عمر بن خطاب با دیدن اقبال مردم در زیارت «شجرهٔ رضوان»، جایی که مسلمانان با رسول خدا ﷺ در زیر آن بیعت کردند و آیه: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾<sup>۲</sup> نازل شد، دستور داد تا آن را قطع کردند. محققان در این باره به تفصیل سخن گفته‌اند.

نیکوست تا این نکته را هم اشاره کنم که تساهل علما در روایت و نقل آنچه در فضیلت برخی از اماکن آمده، سبب گسترش یافتن این قبیل آثار شده است؛ همانطور که

رقابت میان مردمان شهرها در برخی دوره‌ها، باعث فراوانی این قبیل فضیلتها، به طرق و وسایل مختلف شده است.

من بر آن نیستم تا در این زمینه به تفصیل سخن بگویم. تنها توجه خواننده را به شباهت موجود میان بسیاری از آثار در دو شهر مکه و مدینه جلب می‌کنم؛ مانند فراوانی مساجدی که منسوب به اشخاصی از صدر اسلام است؛ یا نسبت بسیاری از قبور به برخی از چهره‌های مشهور در قبرستان معلاة و بقیع و حتی در بارهٔ چاهها؛ مثل آب زمزم.

### مکانهای تولد در شهر مکه

چه بسا مشهورترین این قبیل اماکن و قدیمی‌ترین آنها، مکانی است که بسیاری از علمای متقدم معتقدند که رسول خدا ﷺ در آنجا متولد شده و آن در شعب بنی‌هاشم واقع در سوق اللیل است؛ جایی که علی رغم تغییرات فراوان، همچنان شهرت خود را حفظ کرده است. باید گفت که بسیاری از علما در انتساب این مکان به رسول خدا ﷺ تردید کرده‌اند.

چنین به نظر می‌رسد که معتقدان به این انتساب، به قرائنی تکیه کرده‌اند. بدون تردید، پیغمبر ﷺ از اهالی مکه است و بنی

آمده است: رسول خدا ﷺ در مکه، در خانه‌ای که از آن محمد بن یوسف برادر حجاج است متولد شد. نیز گفته شده در شعب متولد شده؛ و گفته شده: در رَذْم<sup>۴</sup> و گفته شده در عسفان.

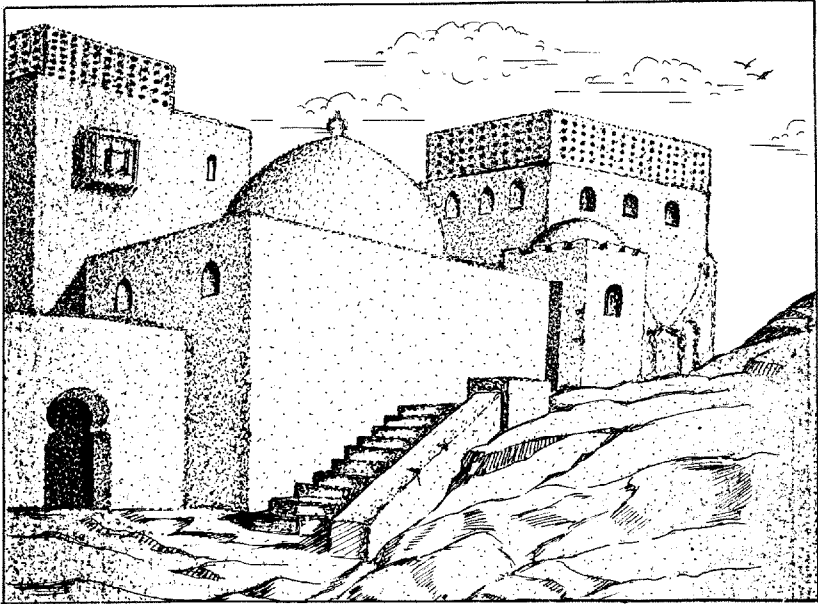
بنابر این، در این قول که آن حضرت در مکه متولد شده تردیدی نیست اما، درباره تعیین محل تولد آن حضرت اختلاف شده است. محمد بن محمد بن سید الناس (۶۷۱ - ۷۳۴ ه.ق) در کتاب «عیون الأثر فی سیره سید البشر» نوشته است: آن حضرت در خانه‌ای که از محمد بن یوسف برادر حجاج دانسته‌اند، متولد شد. نیز گفته شده: در شعب بنی هاشم دیده به جهان گشوده است. (مطلب را با تعبیر تردید برانگیز «گفته شد» آورده است.) سهیلی (۵۰۸ - ۵۸۱ ه.ق) در کتاب «الروض الأُنْف» نوشته است: آن حضرت در شعب متولد شد. نیز گفته شده: در خانه‌ای نزدیک صفا که بعدها از آن محمد بن یوسف برادر حجاج شد و زمانی که زبیده به حج آمد در آنجا مسجدی ساخت.

فاسی از این مطلب یاد کرده و آن را بعید دانسته است. او می‌نویسد: محل تولد رسول خدا ﷺ در سوق اللیل مشهور است. سهیلی در باره مولد النبی مطلبی نوشته که

هاشم عشیره نزدیک اویند که محله‌شان در شعبی بوده که به نام آنها شهرت داشته و بعدها به نام ابوطالب که از جمله بنی‌هاشم است نامیده شده است. خانه‌ای که مولد النبی دانسته شده، در همین شعب قرار دارد و از آن رسول خدا ﷺ بوده است. زمانی که آن حضرت هجرت کرد، عقیل بن ابی طالب آن خانه را تصرف کرد، کما این در حدیث شریف آمده است: «هل ترك لنا عقیل من دار؟» آیا عقیل خانه‌ای برای ما باقی گذاشته؟ به همین دلیل برخی از علما که ابن‌قیم نیز در کتاب زاد المعاد در شمار آنهاست، نوشته‌اند:

«تردیدی در این که رسول خدا ﷺ در میانه مکه متولد شده وجود ندارد.»

با این حال باید گفت برخی از عالمان پیش از ابن‌قیم در این باره اختلاف نظرهایی را یاد آور شده‌اند. تقی‌الدین حسنی فاسی، مورخ مکه، در «شفاء الغرام» و «العقد الثمین» از قول مُغْطَای، عالم حنفی مصری (م ۶۸۹ - ۷۶۲) که از حفاظ است، نقل کرده که حضرت در عسفان متولد شده است. مغطای نوشته‌ای با عنوان «الاشارة الی سیره المصطفی و تاریخ من بعد من الخلفاء» دارد که نسخه آن در مکتبه الحرم المکی است<sup>۳</sup> و در آن



تصویر نقاشی شده محل مولد النبی در سال ۱۹۰۹ میلادی



محل فعلی مولد النبی



فاسی آن را آورده و نسبت به آن اظهار ناباوری کرده، می‌افزاید: شگفت‌تر از این، آن که گفته شده آن حضرت در «ردم»؛ یعنی رد مبنی جمع متولد شده است.

مقصود از «ردم» سدی است که در سال هفدهم هجری در روزگار عمر، برای حفظ مسجد الحرام از سیل، ساخته شد. محل آن در بالاترین نقطه مدعا - جایی که برخی از علما نوشته‌اند که مخرج برای دعا در آن جا می‌ایستد، چون از آنجا کعبه مطهره قابل دیدن است - قرار داشته است.

اختلاف نظر درباره محل تولد آن حضرت ما را بر آن می‌دارد تا در باره قطعیت محل معروف و شناخته شده، به عنوان مولد النبی تردید کنیم و آن را فاقد استناد درست تاریخی بدانیم. این مطلبی است که شیخ عبدالله عیاشی (۱۰۳۷ - ۱۰۹۰) در سفرنامه خود تشریح کرده و می‌نویسد:

از کتابهای سیره چنین به دست می‌آید که در باره محل تولد آن حضرت، در این که در مکه بوده یا ابواء و این که اگر در مکه بوده در شعب بوده یا محضب یا جای دیگر، اختلاف نظر وجود دارد. من نمی‌دانم که مردم تعیین این محل را به عنوان محل تولد از کجا به دست آورده‌اند، جز آن که

ثابت شود این خانه، خانه پدر یا جد حضرت بوده که در آن صورت، این سخن که تولد آن حضرت در مکه و در اینجا بوده طبیعی می‌نماید؛ چرا که انسان به طور عادی در خانه پدرش متولد می‌شود. اگر مقصود از شعب، همان شعب ابی طالب باشد که آن حضرت همراه بنی هاشم و بنی مطلب در قضیه صحیفه به آنجا رفته، چنین چیزی بعید نیست؛ چرا که این خانه در نزدیکی نقطه پایانی شعب قرار گرفته است.

شگفت آن که مردم، محلی را به اندازه یک قبر مشخص کرده آن را محل تولد حضرت می‌دانند. به نظر من تعیین چنین محلی از طریق روایتی - اعم از آن که صحیح باشد یا ضعیف - بعید می‌نماید؛ چرا که در اصل تولد آن حضرت در مکه، اختلاف است و در این که اگر در مکه بوده در کدام شعب بوده و این که اگر در این شعب بوده در کدام خانه بوده است. حتی بر فرض تعیین خانه، واقعا بعید است که پس از گذشت سالهای فراوان دوره انقطاع ثبت آثار، موضع آن معین باشد.

تولد آن حضرت در جاهلیت بود و در آن هنگام کسی که در پی حفظ اماکن باشد، وجود نداشت؛ به ویژه که انگیزه‌ای هم برای این کار، نبوده است. پس از اسلام نیز

از عدم توجه خاص صحابه و تابعین به اماکنی که هیچ تشریحی در باره آنها وجود ندارد باخبریم. آنها در پی حفظ شریعت بوده و با شمشیر و زبان به دفاع از آن مشغول بودند و همین، دلیل از بین رفتن بسیاری از آثار تاریخی دوره اسلامی؛ از قبیل مساجد، میدانهای نبرد و مدفن صحابه شده و اینها از اتفاقاتی است که بسیار مهم بوده. بنابر این چگونه می‌تواند چیزی از جاهلیت بر جای مانده باشد؛ به ویژه در مواردی که جز برای کسی که رخ داده کسی در آنجا حاضر نبوده؛ مثل مولد علی علیه السلام، مولد عمر و مولد فاطمه علیها السلام. اینها جاهایی است که نزد مردم مکه معین و مشهور است و اظهار می‌کنند اینجا مولد فلانی و آنجا مولد دیگری است. در این قبیل موارد، احتمال درستی محل تولد این افراد بعیدتر از مورد مربوط به پیامبر است؛ چرا که زمان تولد حضرت، آیات و نشانه‌هایی رخ داده که موجب هوشیاری برخی از مردم نسبت به دلیل این تحولات غیر عادی می‌شده، حتی اگر در جاهلیت بودند؛ اما محل تولد اشخاص دیگر در آن دوره، عادتاً باید نامشخص یا باشد، مگر آن که از همان شخص یا شخصی از خانه‌اش خبر خاصی نقل شده باشد.

سخن عیاشی به آخر رسید در حالی که بحث وی شامل تمامی محل‌های تولد منسوب به اشخاص و زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شد. بنابر این لزومی به بحث در باره آنها وجود ندارد.

### مساجد تاریخی

در مکه مساجد چندی برای زیارت وجود دارد؛ یکی مسجدی است در محله بالای مکه نزدیک «رذم» - مدعا - که به آن «مسجدالرایه» می‌گویند. گفته شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز خوانده و پرچم خویش را به هنگام فتح مکه در آنجا قرار داده است.

مسجد دیگری نیز در کنار مدعا است که در سمت چپ شخص عازم مکه و سمت راست شخصی است که در حال خروج از مکه است. این مسجد نیز منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و گفته شده که حضرت نماز مغرب در آنجا خوانده است.

مسجد دیگر مسجد مختباً در سوق اللیل، در نزدیکی محلی است که گمان شده مولد رسول خداست. گفته‌اند که حضرت در آنجا از مشرکین پناه گرفته است.

مسجد دیگری در محله پایین مکه - مسفله - در نزدیکی بركة الماجن



است که منسوب به ابوبکر است. مسجدالجن، که مسجدالبیعه و مسجدالحرس نیز نامیده شده، در شمار این قبیل مساجد است. همچنین مسجدالاجابه واقع در شعبی است که نزدیک ثبیه اذخر است. مساجد دیگری هم وجود دارد که به رسول خدا ﷺ یا اشخاص دیگری از صحابه نسبت داده شده، اما سندی برای انتساب مزبور وجود ندارد. این مطلب منافاتی با قدمت این قبیل مساجد به عنوان اماکن تاریخی ندارد؛ بنابر این، از این زاویه باید مورد بررسی تاریخی قرار گرفته و به لحاظ محل عبادت می‌بایست مورد توجه و اهتمام باشد.

### اماکن تاریخی

از مهمترین اماکن تاریخی، دو کوه جِرا و ثور از کوه‌های مکه است. در غار نخست، رسول خدا ﷺ عبادت می‌کرد و بر وی وحی آمد و در غار دوم، آن حضرت و ابوبکر در وقت هجرت از مکه در آن پنهان شدند و خداوند این آیت را فرستاد:

﴿إِلا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللهُ إِذَا أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ، اذِ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾.

از مشهورترین اماکن تاریخی نزدیک مکه، وادی حنین (یدعان) در بالای وادی شرائع است که واقعه مذکور در قرآن در آنجا رخ داد: ﴿وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْبَجْتُمْ كِشْرَتَكُمْ فَلَنْ يَغْنَّ عَنْكَ شَيْئًا﴾.

لازم است اشاره کنم که میان دو موضع حنین و اوطاس باید تفاوت گذاشت؛ چرا که برخی از مورخان آنها را یک جا تصور کرده‌اند. اوطاس در شرق سلسله جبال حجاز است که نزدیکترین منطقه مسکونی به آن عشیره است؛ در غرب وادی عقیق، در نزدیکی برکه‌ای که در شمال متمایل به غرب آن است.

### مقابر (قبرستان حجون)

تردیدی نیست که مقبره مَعْلَاة در مکه مشرفه، بیش از هر مقبره‌ای به جز بقیع، مملو از اجساد پاک مؤمنان است. فیروز آبادی، نویسنده «قاموس المحيط» رساله‌ای با عنوان «إثارة الحجون لزيارة الحجون» در یاد از صحابه مدفون در این مقبره تألیف کرده که علی بن ابی‌بکر صایغ از علمای مکه، در صفر سال ۱۲۸۷ آن را به شعر در آورده و نامش را «اللؤلؤ المكنون فی ذكر اسماء اهل الحجون» نهاده است. در آنجا آمده است که شمار صحابه مدفون در



وجود آمده است.<sup>۵</sup>

۲ - نکته دیگری که باید توجه داشت آن است که، هر کسی که در مکه درگذشته، لزوماً در مقبره حجون مدفون نشده؛ این چیزی است که از رساله صاحب قاموس به دست می‌آید. چرا که در زمان ظهور اسلام، قبرستانهایی به جز مقبره حجون - که همان مقبره معلاة است - وجود داشته؛ از جمله آنها مقبره علیا میان معابده و ثنیةالخرمانیه - ثنیة اذخر - بوده که در جاهلیت و اسلام افرادی در آن دفن می‌شده‌اند. همچنین مقبره مهاجرین در حصص میان فح و زاهر (شهداء). و نیز مقبره شئیکه که به مقبره احلاف مشهور بوده؛ چنانکه مقبره معلاة به «مقبره المطیبین» شهرت داشته است. بنابر این نمی‌توان مطمئن بود هر کسی از صحابه که در مکه در گذشته، در مقبره معلاة (حجون) دفن شده است.

۳ - قدیمی‌ترین مورخان تصریح کرده‌اند که قبر هیچیک از صحابه، به جز قبر میمونه همسر رسول خدا ﷺ در سرف شناسا نبوده است.

فاسی می‌نویسد:

«نه در مکه و نه در نزدیکی آن، قبری از صحابه به جز میمونه همسر پیامبر ﷺ را

بقیع ۳۸ مرد و ۷ زن است که اسامی آنها را به نقل از رساله فیروز آبادی که مشتمل بر شرح حال آنها بوده آورده است.

در این باره باید چند نکته را یاد آور شد:

۱ - نخست اختلاف در باره محل دقیق حجون در کتابهای کهن است. فاسی نوشته است که حجون کوهی است در سمت چپ شخص عازم مکه و سمت راست فرد خارج از آن به منا. این بنابر چیزی است که ازرفی و فاکهی، دو مورخ قدیمی مکه که آثارشان به دست ما رسیده، نوشته‌اند.

بنابر این، این مخالف با تصور عامه است که حجون را ثنیه‌ای می‌دانند که از آنجا به مقبره معلاة وارد می‌شوند. فاسی می‌افزاید: شاید بر اساس گفته ازرفی و فاکهی، حجون کوهی باشد که گفته شده قبر عبدالله بن عمر در آنجاست، یا کوه برابر آن که میان آن دو کوه و شعب معروف به شعب عفاریت قرار دارد. تمام.

آنچه مورد نظر نویسنده «إثارة الحجون» بوده، همان است که در میان مردم مشهور است.

مورخ معاصر مکه، احمد السباعی بر این باور است که ثنیة حجون در کوه متصل به شعب عامر بوده و اطلاق نام حجون بر آنچه اکنون معروف است پس از اسلام به



نمی‌شناسم. محل قبر وی را خلف از سلف روایت کرده‌اند. ابن خطیره در «الجامع اللطیف» در باره مقبره معلاة می‌نویسد: این قبرستان اجساد بسیاری از بزرگان صحابه و تابعین و علما و صحابه را در خود جای داده گرچه در حال حاضر به طور دقیق قبر هیچ یک از آنها شناخته شده نیست.»

در زمان ما - بلکه از شش قرن پیش - قبر ام‌المؤمنین خدیجه -رضی الله عنهما- معین شده، در حالی که اساسی جز جهل ندارد؛ اگر بپذیریم که جهل هم می‌تواند اساس باشد! پس از آن قبه‌ای بزرگ که این نام پاک را به خود گرفته ساخته شد. در قرن یازدهم دو قبه دیگر به نام قبه عبدالمطلب و قبه ابوطالب ساخته شد.

پیوند این نامها با زندگی رسول خدا ﷺ سبب ایجاد هاله‌ای از عظمت و جلال در اطراف آنها شد، به طوری که بسیاری از افراد نابخرد درستی محل قبر خدیجه را پذیرفتند؛ چنانکه قبر عبدالمطلب جد آن حضرت و نیز قبر ابوطالب عموی پیامبر ﷺ را.

من در مقالی دیگر با عنوان «خرافة قبه

اليهوديه»<sup>۶</sup> گفتم: اموری هستند نادرست که در گذر زمان، تاریخی شده و نسلها خبر آن را روایت می‌کنند؛ آن گونه که پس از گذشت عصرها و نسلها، در میان مردم آنچنان جایگاه محکمی به دست می‌آورد که امکان انکار آنها نیست. قبر حضرت خدیجه تا قرن هشتم هجری؛ یعنی در درازای هفت بلکه هشت قرن، نزد مورخان مکه مجهول بوده است؛ پس از آن در طول پنج قرن گذشته تا امروز معروف و محل آن معین شده است. این بعد از آنی بود که یکی از عرفا در خواب دید که گویا نوری در قبرستان معلاة پرتو افکنی می‌کند.\* زمانی که امیر مکه خبر این خواب را شنید دستور داد تا قبه‌ای بر بالای مکانی که آن عارف به عنوان محل آن نور دیده بسازند. باور امیر آن بود که این مکان جایی جز قبر خدیجه نمی‌تواند باشد.<sup>۷</sup> مرجانی در کتاب «بهجة النفوس و الأسرار» این خبر را به اختصار آورده و در ادامه نوشته است: نمی‌توان تعیین محل قبر را بر یک امر ناشناخته‌ای عنوان کرد.

زمانی گذشت و این محل و اطراف آن مقبره بزرگان مکه گردید. در قرن یازدهم در

\* - نك: «البحر العمیق فی العمرة و الحج لبيت الله العتيق» از محمد بن احمد بن ضياء قرشي مكی حنفی، ج ۱، برگ ۲۰ نسخه خطی حرم مكی، ش ۴۰ فقه حنفی؛ او به این خبر اشاره کرده و یکی از مورخان متأخر مکه مفصل آن را آورده است.



بالاترین حد پذیرفت و خود را از رنج تحقیق و تحفص رها کرد. صفحات زیادی در باره عظمت بزرگانی که در آغوش این مقبره‌اند بویژه سه نفر مزبور اختصاص داده از کسانی که این قبه‌های خرافی را خراب کرده‌اند نکوهش می‌کند.

ای کاش کار به همین جا خاتمه یافته بود. محققانی که بعد از وی آمدند، مطالب وی را در شناخت آثار مکه و تاریخ آن مرجع قرار داده به طوری که یکی از مجلات دینی<sup>۹</sup> از سالها قبل نوشته‌ای کوتاه از حج چاپ کرده و از این سه قبه در قبرستان معلاة یاد کرده است. کمتر نوشته‌ای از سوی افراد غیر متخصص در باره این شهر کریم نوشته شده که نظر موافق نسبت به درستی آنچه در باره قبرستان معلاة گفته شده نداشته باشد؛ چرا که مسأله از بُعد عاطفی مورد توجه قرار گرفته است. اما اهل فرهنگ و تحقیق در این دیار در یافته‌اند که قبه‌های مزبور فاقد سند تاریخی بوده و نادرست است.<sup>۱۰</sup>

این سخن معروفی است که آثار تاریخی مبنای بررسی تاریخ قدیم بوده و محافظت

سال ۱۰۱۰ هجری، عبدالمطلب بن حسن ابن ابی نَمَی در آنجا دفن شد. در سال ۱۰۱۲ یکی از امرای مکه که به ظلم و ستم شهرت داشت و نامش ابوطالب بن [حسن] ابی نَمَی بود، آنجا دفن گردید.\* بر بالای قبر این دو، در نزدیکی قبر خدیجه، قبه‌ای ساخته شد. با گذشت زمان صاحب این دو قبر ناشناخته ماندند و خرافه قبر عبدالمطلب جد پیامبر ﷺ که پیش از اسلام در گذشته و قبر ابوطالب بن عبدالمطلب به وجود آمد. پس از آن تاریخ، این سه خرافه به عنوان حقایق ثابت تاریخی ثبت شد و نسلهای بعدی خبر آن را به زمان ما منتقل کردند. این مسأله تا اندازه‌ای نفوذ یافت که وقتی عالمی بزرگ از علمای عصر ما<sup>۸</sup> سفرنامه پر ارزش «فی منزل الوحی» را نگاشت، با دیدن وضعیت معلاة عاطفه دینداری بر وی غلبه کرد. خاطرات مربوط به بزرگان امت در طول سیزده قرن و اندی او را به خود مشغول داشت؛ همینطور خرافه قبر عبدالمطلب جد پیامبر و ابوطالب عموی آن حضرت و خدیجه همسر او. او این مسأله را در

\* - خاندان (م ۹۲۲) ابو نَمی محمد بن برکات از خاندانهای بسیار معروف این دوره تاریخی در حجاز است پس از آن که خود ابونمی دهها سال حکومت کرد، فرزندان و نوادگانش برای سالها حکومت کردند. بر خلاف نظر مؤلف، ابوطالب بن حسن شهرت به تقوا و عدالت داشته است (تاریخ مکه سباعی، ص ۲۵۶). درباره ابوطالب و عبدالمطلب، نک: خلافت الاشرار، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۳۵، ج ۳، ص ۸۶؛ تاریخ امراء مکه، ص ۷۱۰-۷۱۲. «مترجم».

و خصلتها و ویژگیهایی که سبب حفظ  
 هویتش می‌شود، از میان می‌برد. امتی که  
 خصلتهایش را از دست بدهد از بین  
 خواهد رفت.\*

از آنچه درست است، پاسداری از تراث و  
 فرهنگ امت است.  
 هر امتی که به فرهنگ خود بی‌توجهی  
 کند، ارتباطش را با گذشته از دست می‌دهد

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- مؤلف کتاب «عَلِّمُوا اولادکم محبة اهل البيت» و کتاب «انها فاطمة الزهراء».
- ۲- فتح: ۱۸.
- ۳- شماره آن «۸۷ سیره» است و ۶۷ برگ دارد. کتابت آن در سال ۸۱۰ بوده و تصحیح و مقابله شده با نسخه مؤلف است. پایان آن، تاریخ مستعصم عباسی در سال ۶۵۶ قبل از حمله مغول آمده است. مغلطای کتاب مفصل دیگری در سیره دارد که نامش «الزهر الباسم فی سیره ابی القاسم» است و نسخه آن در کتابخانه لیدن در هلند به شماره ۳۷۰ (فهرست مخطوطات شرقی) موجود است.
- ۴- به معنای سد و در محل مسجد الرايه. «مترجم»
- ۵- سخنرانی وی در سال ۱۳۸۸ در «نادی الوحدة الرياضی» در مکه با عنوان «عبدالله بن زبیر صاحب فکرة فی تاریخ مکه». مجله العرب، ش ۲، ص ۸۶۵
- ۶- العرب، س ۱۰، ص ۲۷۸
- ۷- بسیاری از مورخان متأخر نوشته‌اند که خدیجه در معلاة دفن شده است. تجیبی در سفرنامه‌اش (در سال ۶۹۶) نوشته است که در بخشی از معلاة شعبی بوده که گفته می‌شده قبر خدیجه آنجاست. او می‌نویسد: در آن شعب قبری به چشم نمی‌خورد، اما می‌گوید در آنجاست و خدا عالم است. به همین دلیل است که مورخان می‌گویند از قبور صحابه جز قبر ام‌المؤمنین میمونه که در سرف در خارج مکه است قبری مشخص نبوده. و نیز قبر عبدالله بن عمر در ثنیه اذآخر در سمت باب المعلى. (رحلة التجیبی، ص ۳۳۹)؛ خدا عالم است.
- ۸- مقصود دکتر محمد حسین هیکل پاشا است.
- ۹- «الوعی الاسلامی» که در کویت انتشار می‌یابد.
- ۱۰- منزل الوحی، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

\* - ترجمه این مقاله در تاریخ سه شنبه ۱۴ / ۵ / ۱۳۷۶ در حرم مکه، در کنار بیت الله الحرام به پایان رسید.